

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Explaining the Obligations of Upstream States Regarding the Water Rights of Downstream States (Case Study: Helmand River)

1. Seyedeh Parisa Jalili: Department of International Law, United Arab Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates
2. Atefeh Amininia*: Department of International Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: a.amininia@iauctb.ac.ir (Corresponding Author)
3. Maryam Afshari: Department of Law, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran

ABSTRACT

The present study aims to identify and analyze the legal threats related to the exploitation of transboundary waters using a descriptive-analytical method. The core research question is: “What are the obligations of upstream states concerning the water rights of downstream states, with a case study on the Helmand River?” Based on this research, the obligations of upstream states regarding transboundary rivers include the joint and equitable use of waterways, the sovereign right of a state over its water resources, consideration of the interests of downstream states in sequential water resources, the obligation to prevent significant harm to downstream states, the illegality of altering the course of a waterway, and the principle of limiting the unrestricted use of waters. In this context, Afghanistan’s upstream position on the Helmand River has led to the disregard of Iran’s downstream rights and increased exploitation. Actions such as constructing diversion canals, building dams and embankments, inaccurately reporting the quantity and volume of stored water in Afghanistan, and failing to cooperate appropriately and timely in joint meetings of the Helmand River Water Commission in accordance with the 1973 legal regime are among the measures taken by the Afghan government regarding the distribution of Helmand River water. It must be noted that the continuation of disputes between Afghanistan and Iran over the use of Helmand River water will, in the long run, disrupt the national security of the Islamic Republic of Iran in the eastern region.

Keywords: *water rights, transboundary rivers, obligations of upstream states, rights of downstream states, shared border resources*

How to cite: Jalili, S. P., Amininia, A., & Afshari, M. (2024). Explaining the Obligations of Upstream States Regarding the Water Rights of Downstream States (Case Study: Helmand River). *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(1), 355-369.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 07 May 2024
Revise Date: 28 May 2024
Accept Date: 08 June 2024
Publish Date: 19 June 2024



پژوهش‌هاک تطبیقه فقه،

حقوق و سیاست

تبیین تعهدات دولت‌های بالادست نسبت به حق آب دولت‌های پایین دست (مطالعه موردی هیرمند)

۱. سیده پریسا جلیلی: گروه حقوق بین الملل، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی

۲. عاطفه امینی نیا*: گروه حقوق بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: a.amininia@iauctb.ac.ir
(نویسنده مسئول)

۳. مریم افشاری: گروه حقوق، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران

چکیده

در تحقیق حاضر تلاش شده است تا با روش توصیفی-تحلیلی، تهدیدهای حقوقی در برداشت آب‌های مشترک بین‌المللی مورد احصاء و بررسی واقع شود این پرسش، هسته اصلی این پژوهش است که «تعهدات دولت‌های بالادست نسبت به حق آب دولت‌های پایین دست با مطالعه‌ی موردی رود هیرمند چیست؟». با توجه به پژوهش باید گفت، تعهدات کشورهای بالادست رودخانه‌ها عبارت است از: الف- استفاده مشترک و منصفانه از آبراه ب- حق حاکمیت دولت بر منابع آب خود ج- لحاظ نمودن منافع کشور پایین دست در منابع آبراه‌های متوالی د- تعهد به جلوگیری از ورود زیان قابل ملاحظه به کشور پایین دست ه- غیرقانونی بودن تغییر مسیر آبراه و- اصل محدودیت استفاده آزاد از آب‌ها. در این زمینه، موقعیت بالادستی دولت افغانستان در رودخانه هیرمند منجر به نادیده گرفتن حقوق دولت پایین دست (ایران) و بهره برداری بیشتر شده است. حفر کانال‌های انحرافی، ساخت بندها و خاکریزهای مختلف، ارائه نادرست کمیت و حجم آب ذخیره شده در افغانستان و عدم همکاری مناسب و به موقع در جلسات مشترک کمیسیون آب هیرمند مطابق با تطبیق رژیم حقوقی ۱۹۷۳ این رودخانه. این یکی از کارهایی است که دولت افغانستان همواره در مورد توزیع آب رودخانه هیرمند انجام داده است. باید گفت ادامه اختلافات افغانستان و ایران بر سر استفاده از آب رودخانه‌های هیرمند در درازمدت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شرق را مختل خواهد کرد.

واژگان کلیدی: حق آب، رودخانه‌های مشترک، تعهدات دولت‌های بالا دستی، حقوق دولت‌های پایین دستی، منابع مشترک مرزی.

نحوه استناددهی: جلیلی، سیده پریسا، امینی نیا، عاطفه، و افشاری، مریم. (۱۴۰۳). تبیین تعهدات دولت‌های بالادست نسبت به حق آب دولت‌های پایین دست (مطالعه موردی هیرمند). پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۱)، ۳۶۹-۳۵۵.

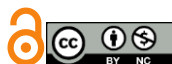
© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۸ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۹ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۳۰ خرداد ۱۴۰۳



مساله اختلافات آبی در منطقه جغرافیایی غرب آسیا موسوم به خاورمیانه از شدت و حدت برخوردار می‌باشد. چنانچه گفته شده که در حدود ۹۱ درصد آب‌های غرب آسیا (خاورمیانه) به صورت آب مشترک مرزی و فرامرزی است و ایران نیز در این منطقه مهم استراتژیکی با برخورداری از چندین رود بین‌المللی از این حیث مستثنی نیست. با نظر به وضعیت نامناسب منابع آبی و چشم‌انداز گرم‌تر و خشک‌تر شدن آینده و با توجه به اینکه ایران در بین کشورهای منطقه از وضعیت ویژه‌ای برخوردار است. چنانچه درصد بالایی از مرزهای کشور ایران را رودخانه‌های مشترک می‌سازند و اینکه با اکثر کشورهای همسایه دارای مرز رودخانه‌ای است (Shokri, 2025). حوضه فرامرزی رودخانه‌های

ارس (بین ایران، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان)، اترک (بین ایران و ترکمنستان)، اروند (بین ایران و عراق)، ویهیرمند و هریرود (بین ایران و افغانستان) یکی از آنهاست (Faghihi & Kianifar, 2022). بر این اساس می‌توان گفت که پیچیدگی و طولانی بودن لیست اختلافات حال حاضر، مربوط به مسئله مهم حق‌آبه رودخانه‌های بین‌المللی مشترک است. رودخانه‌های بین‌المللی یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات روابط بین‌الملل جاری در نظام بین‌الملل را تشکیل می‌دهند و مشکلات آن‌ها صلح و امنیت بین‌المللی را در حوزه‌های کم‌آبی و بحران تهدید می‌کند. در مناطقی که مرزها نیز تحت تأثیر ملاحظات سیاسی هستند، حتی اعتبار معاهدات امضا شده حقوق آب نیز زیر سؤال رفته است.

لذا بررسی ویژه میزان حق‌آبه و قوانین مربوط به رودخانه‌ها و حوزه‌های آبی مشترک و ارائه راهکارهای جدید و خلاقانه برای حل و فصل مسالمت آمیز مناقشات مربوطه، موضوعی است که در صورت عدم توجه کافی و دقت‌های لازم به آن، می‌تواند به یکی از چالش‌های بزرگ تبدیل و از عوامل بالقوه تهدیدکننده صلح بین‌المللی باشد. بر این اساس تبیین دقیق تعهدات طرفین در خصوص حق‌آبه در رودخانه‌های بین‌المللی مشترک در این پژوهش از اهمیت بالایی برخوردار است.

مع الوصف با توجه حساسیت و اهمیت نقش رودخانه‌های بین‌المللی مرزی در تعیین و تقسیم حق‌آبه و سایر منافع مترتب بر آن، این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این مساله مهم می‌باشد که تعهدات دولت‌های بالادست نسبت به حق آب دولت‌های پایین دست با مطالعه‌ی موردی رود هیرمند چیست؟

در این میان با نظر به اینکه یکی از مسائل و چالش‌های اساسی حال حاضر کشورمان در بحث حق‌آبه، موضوع تعهدات دولت افغانستان به عنوان دولت بالادست در رودخانه‌ی مشترک هیرمند است، لذا تبیین تعهدات دولت بالادست (افغانستان) نسبت به حق‌آبه دولت پایین دست (ایران) در رودخانه‌های مشترک، به عنوان مطالعه موردی، مدنظر این پژوهش است.

۱- موقعیت رود هیرمند

رودخانه هیرمند شریان حیاتی تامین آب منطقه سیستان است که از ارتفاعات بابا یغما و کوه‌های هندوکش در غرب کابل سرچشمه می‌گیرد. پس از طی مسافتی بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر، از محل تلاقی پنج شاخه اصلی کجکی^۱، ارغستان، ارغنداب، موسی قلعه و ترنکد^۲ به خاک ران می‌رسد.

این رودخانه به رودخانه‌هایی مانند تاج محمد، علمدار، سیخ سر، سیستان، نادعلی نصر و رودخانه مرزی پریان در مرز دو کشور منشعب می‌شود. دو شاخه رودخانه سیستان و رودخانه مرزی پریان به شاخه‌ها و سایر شاخه‌ها تقسیم می‌شوند. رودخانه پریان به دو شاخه شیردل و

¹ KajKi

² Taranked

نیاتک^۱ تقسیم می‌شود و پس از عبور از افغانستان به تالاب هامون می‌ریزد. در قسمت جنوب شرقی رودخانه سیستان مستقیماً وارد خاک ایران شده و در محل سد دهک به دو شاخه نهار شهر و طاهری جدا می‌شود. و در نهایت وارد تالاب هامون می‌شوند (Amiraslani & Dragovich, 2023).

موقعیت خشک جغرافیایی حوضه آب هیرمند باعث شده است که هم ایران و هم افغانستان در پی استفاده حداکثری از این نعمت الهی برای آبادانی و توسعه خود باشند. سال‌هاست که وجود مرز بین‌المللی ایران و افغانستان در وسط بازوی اصلی هیرمند در سیستان مورد قبول دو همسایه قرار گرفته است، اما به دلیل یک سری مشکلات اختلافاتی بر سر اشتراک آب هیرمند به وجود می‌آید. و سایر حقوق مرتبط با این رودخانه بین المللی هنوز مورد مناقشه است. البته افغانستان در مواقعی نشانه‌هایی از پایبندی به تعهدات خود در قراردادهایی که با ایران بسته بود، با تاکید بر حقوق ایران و اعطای حقوق ایران به هیرمند نشان داده است (Roodari et al., 2021; Trousdale, 2022) اما عدم پایبندی عملی به این قراردادها باعث شده است که افغانستان حقوق ایران بر هیرمند را مشروط به تامین کامل منافع افغانستان از این رودخانه در فصول خشک سال بداند (Mianabadi et al., 2021).

۲- حقوق حاکم بر رودخانه‌های مشترک ایران و افغانستان

حالت بالادست رودخانه ایالتی است که در ابتدا یک رودخانه بین‌المللی از قلمرو آن جریان یا عبور می‌کند. دولت پایین دست دولتی است که رودخانه بین‌المللی پس از عبور از یک یا چند کشور از قلمرو آن عبور می‌کند. حقوق و تعهدات دولت‌های بالادست رودخانه‌ها به شرح زیر است: ۱- اصل استفاده عادلانه از آبراه ۲- حق حاکمیت دولت بر منابع آبی خود ۳- در نظر گرفتن منافع دولت پایین دست در منابع آبراه‌های متوالی، ۴- الزام به جلوگیری از خسارت قابل توجه به وضعیت پایین دست، ۵- غیرقانونی بودن تغییر مسیر آبراه، ۶- استفاده بیش از حد. آبراه توسط دولت بالادست (Amiraslani & Dragovich, 2023; Nagheeb, 2023). قواعد حقوق بین‌الملل در مورد رودخانه‌های بین‌المللی «اصل حاکمیت سرزمینی محدود» را بر رودخانه‌های بین‌المللی می‌پذیرد و طبق قواعد حقوق بین‌الملل در مورد رودخانه‌هایی که حوزه آبخیز آن‌ها در کشور دیگری قرار دارد، کشور بالادست نمی‌تواند مسیر این رودخانه را تغییر دهد آن را منحرف کند یا به کشورهای پایین دستی آسیب برساند.

۱-۲ معاهده ۱۹۷۳ هیرمند

معاهده‌ی ۱۹۷۳ هیرمند که سندی معتبر میان ایران و افغانستان برای تقسیم منابع آبی رودخانه هیرمند است، بموجب ماده ۲ معاهده در سالهای پرابی یا نرمال میزان آب تحویلی به ایران ۲۲ متر مکعب در ثانیه است و طبق ماده ۴ معاهده در سالی کم آبی به تناسب کمتر می‌شود و تنها حق دخل و تصرف در آب باقی مانده خود را دارد. این معاهده بشرح زیر به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است. ماده واحده - معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت افغانستان مشتمل بر یک مقدمه و دوازده ماده و دو پروتکل ضمیمه که در تاریخ بیست و دوم اسفند ماه ۱۳۵۱ برابر سیزدهم مارس ۱۹۷۳ در کابل به امضاء رسیده است تصویب و اجازه مبادله اسناد تصویب آن داده می‌شود.

¹ Niyatek

قانون فوق مشتمل بر یک ماده و متن موافقتنامه تکمیلی پس از تصویب شورای ملی در جلسه روز سه شنبه بیست و ششم فروردین ماه هزار و سیصد و پنجاه و دو در جلسه فوق العاده روز چهارشنبه. ، در بیست و ششم مرداد هزار و سیصد و پنجاه و دو، و به تصویب دو مجلس سنا رسید.

رییس مجلس سنا - جعفر شریف‌امامی

بر اساس این سند، حقایب ایران در سال‌های نرمال یا فوق نرمال، یعنی سالی که حجم آبگذر هیرمند در ایستگاه دهرآوود، برابر یا بیشتر از ۵/۶۶ میلیارد مترمکعب در سال باشد، ۲۲ مترمکعب آب بر ثانیه تعیین شده و افغانستان تعهد نموده ۴ مترمکعب بر ثانیه، آب به صورت مازاد نیز به نشانه مودت و دوستی به ایران تحویل دهد که مجموع این میزان، سالیانه برابر با ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب خواهد شد. البته مقدار آب تحویلی به ایران در ماههای مختلف سال، ثابت نیست و بر اساس جدول مقرر شده در ماده ۳ تنظیم می‌شود. افزون بر این، افغانستان در ماده ۵ این معاهده متعهد شده مرتکب اقدامی نشود که ایران را به طور جزئی یا کلی از حقایب هیرمند محروم سازد و نیز این کشور در ماده ۶، از هر اقدامی که موجب نامساعد شدن آب زراعت ایران باشد، منع شده است (Hajihosseini et al., 2019; Sadid, 2024). در مقابل، ایران پذیرفته هیچ ادعایی بر رود هیرمند بیش از مقدار مقرر شده نداشته باشد. این معاهده مقرر می‌دارد در شرایط خشکسالی و یا فورس ماژور که رسیدن آب به دلتای هیرمند موقتاً متوقف می‌شود، ماموران طرفین فوراً به مشورت پرداخته و طرح فوری لازم را به منظور رفع مشکلات وارده یا تخفیف آن‌ها به دولت‌های خویش پیشنهاد نمایند.

۲-۲ رودخانه هریرود

هیچ معاهده‌ای بین ایران و افغانستان در مورد بهره برداری از حریرود منعقد نشده است. سابقه اختلاف ایران و افغانستان بر سر حریرود کمتر از رودخانه هیرمند نیست (Karvigh, 2022). بر اساس قرارداد ۲۴ ماده‌ای منعقد بین ایران و روسیه در ۱۵ فوریه ۱۹۲۱، طرفین از حقوق مساوی برای بهره مندی از آب حریرود برخوردار بودند. این سهم در قرارداد ۱۹۲۶ برای ایران ۳۰ درصد تعیین شد، اما در مهر ۱۳۷۰ و در قرارداد ایران و ترکمنستان، سهم مساوی طرفین اعاده شد (Amiri, 2020).

اما تداوم مناقشات افغانستان و ایران در مورد استفاده از آب رودخانه‌های هیرمند و حریرود، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در درازمدت در حوزه شرق مختل خواهد کرد. این امر می‌تواند مورد استقبال رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد (Mianabadi et al., 2021; Nabavi, 2024).

۳- مناقشات آبی ایران و افغانستان

اختلافات در عرصه بین‌المللی از جمله موضوعات و موضوعاتی است که خواسته یا ناخواسته در بین کشورها و بازیگران بین‌المللی به وجود می‌آید و به روابط بین این بازیگران آسیب می‌رساند. در برخی موارد، حتی اختلاف نظر بر سر مسائل جزئی منجر به تنش‌های جدی شده است که در نهایت ممکن است به تقابل نظامی بین دولت‌ها منجر شود. موضوع آب رودخانه هیرمند به دلیل تأثیرات حیاتی آن بر هر دو کشور و آب و هوای خشک اطراف رودخانه هیرمند، موضوع را دوچندان دشوار کرده است.

۳-۱ اختلافات بر سر رود هیرمند

ادعای ایران بر هیرمند به ادعای حقوقی ایران در مورد آب رودخانه هیرمند در منطقه سیستان اشاره دارد. افغان‌ها به این معاهده پایبند نبودند. ساخت سدها از جمله سد کمال خان بر روی رودخانه هیرمند باعث کاهش جریان آب به استان سیستان و بلوچستان ایران شد (Karvigh, 2022; Sadid, 2024; Sinelnikov, 2024).

پس از آن، سدهای متعدد دیگری (حدود ۱۰۰ بند در طول چهار دهه) ساخته شد، مانند بند کجکی در ولایت هلمند، بند بالابلوک در ولایت فراه، بند سلما در ولایت هرات و بند بغرا در قندهار. دیگر برداشته‌های بی‌حساب آب در کنار رودخانه به دلیل افزایش جمعیت و افزایش سطح زیر کشت در افغانستان داستان دیگری است.

پس از تحمیل معاهده ۱۸۳۷ پاریس توسط انگلستان بر ایران، دولت مجبور به استقلال افغانستان شد. موضوع تقسیم آب هیرمند روابط دو کشور را تیره کرد و بر اساس ماده ۸ معاهده، ایران مجدداً مجبور به پذیرش حکمیت انگلیس در این مورد شد (Akbari et al., 2022).

۲-۳ اختلافات ایجاد تاسیسات افغانستان بر رودخانه هیرمند

اصولاً رودخانه‌های مرزی بین دو یا چند کشور مشترک هستند، بنابراین ایجاد امکانات فنی یا اقتصادی توسط یک کشور ممکن است ضرر و زیان‌هایی را برای کشور دیگر به همراه داشته باشد. در این صورت، اصل بهره برداری عادلانه ممکن است از بهترین و سودمندترین شکل توسعه رودخانه جلوگیری کند. از سوی دیگر، توسعه و بهره برداری همزمان ممکن است منجر به هدر رفتن منابع و عدم استفاده مناسب اقتصادی شود. برای حل این مشکل می‌توان: الف. هر کشور به طور جداگانه در بهره برداری از رودخانه مرزی فعالیت می‌کند. ب- تلاش مشترک با تلاش مشترک کشورهای همسایه برای بهره برداری از توسعه بهینه حوزه رودخانه در راستای منافع مشترک خود بدون توجه به مرزها. بر این اساس هدف اصلی استفاده عادلانه و مدیریت مشترک آب است. بنابراین، در پرونده نبراسکا-وایومینگ، دادگاه در حکم خود اعلام کرد که با اختلاف بین سه ایالت مواجه شده است و ادعاهای آن‌ها از حد استفاده فراتر رفته است و بنابراین توزیع عادلانه اجتناب ناپذیر است. بنابراین دیوان ضمن تبیین مفهوم توزیع عادلانه افزود که توزیع بین دولت‌ها باید عادلانه و عادلانه باشد. این فهرست جامع نیست و تنها مجموعه‌ای از مثال هاست و عوامل و عوامل ذکر شده درک ماهیت مشکل توزیع و تمایز دقیق بین مواد مختلف را ممکن می‌سازد (Akbari et al., 2022; Nagheby & Rieu-Clarke, 2020).

با فرا رسیدن تابستان ۱۹۰۵ و کمبود آب رودخانه هیرمند سیستان، فغان ۱۰ نهر جدید را از شاخه اصلی منشعب کردند. شایان ذکر است که بر اساس داوری هامون، هرگونه تداخل رودخانه هیرمند از طرف هر دو طرف ممنوع بود، اما از آنجایی که داوری وی مورد تایید هیچ یک از طرفین قرار نگرفت، داوری ماهون نتوانست کاری برای این تعارض انجام دهد و در هر صورت این اقدامات انجام شد. اختلافات بین دو طرف را تشدید کرد.

۳-۳ بروز اختلافات اخیر با طالبان

با حدود کم آبی و خشکسالی سال‌های اخیر مردم استان سیستان در مضیقه بیشتر آبی قرار گرفتند. مشکلات تالاب و سرگردانی شترها که روز به روز هم در حال افزایش است، چرای بی‌رویه دام‌ها در محدوده این تالاب واقعاً مشکل ساز شده است. حقایق سالانه ایران مساوی ۸۵۰ میلیون متر مکعب در سال یعنی ۴ سد کرج در سال است. مشکلات حاصل از عدم تحقق حقایق عبارت است از: الف-گرد و غبار آلودگی ب- کم آبی و خشکسالی ج- بیکاری کشاورزان ه- مشکلات زیست محیطی.

علی سلاجقه در روز دوشنبه یک خرداد ۱۴۰۳ در جلسه ایران با هیات طالبان برای هیرمند گفت، می‌بایست ریاست جمهوری شخصاً به این موضوع ورود کرده و امیدواریم این مسئله از لحاظ دیپلماسی سیاسی به سمت و سوی پیش برود که این حقبه را دریافت کنید. نماینده مردم زاهدان هم درباره ادعای نبود آب از سوی طالبان گفت: اینکه می‌گویند آب وجود ندارد درست نیست چون آن‌ها آب را به شوره‌زارها منحرف کردند اقدامی که بر اساس شرع اسلام نیز کار پسندیده‌ای نیست. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در پاسخ سئوال، اقدام بعدی چیست، گفت: این موضوع دیگر در شورای امنیت ملی بررسی خواهد شد، و اگر حقبه کشورمان تأمین نگرده، تصمیم‌های دیگری در شورای عالی امنیت ملی گرفته خواهد شد. به علاوه نماینده زاهدان گفته چاه‌ها شرایط مناسبی ندارد و اگر وضعیت تغییر نکند مردم در سیستان تنها برای سه ماه دیگر آب شرب خواهند داشت.

در این رلستا، در خصوص حقبه هیرمند در ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ بیانیه‌ای توسط وزارت امور خارجه صادر شد: وزارت امور خارجه ایران، بیانیه صادره از سوی هیأت حاکمه افغانستان درباره حقبه هیرمند را متناقض و نادرست دانست و با رد آن اعلام کرد: معاهده بین ایران و افغانستان درباره آب رود هیرمند بطور صریح و بدون هیچ آب‌هامی، حقبه طرف ایرانی از رودخانه هیرمند را تعیین کرده است.

بیانیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در خصوص حقبه هیرمند تاکید نموده: معاهده بین ایران و افغانستان درباره آب رود هیرمند ۲۲ اسفند ماه سال ۵۱ بطور صریح و بدون هیچ آب‌هامی، حقبه طرف ایرانی از رودخانه هیرمند را تعیین کرده است. این حقبه، حقی قانونی، عینی و معین است و افغانستان متعهد است حقبه مزبور را تأمین کند و بر اساس ماده ۵ معاهده اقدامی نکند که ایران از حقبه خود بعضاً یا کلاً محروم شود.

حاکمان افغانستان در یک سال و نیم گذشته، اگرچه بارها بر پابندی به تعهدات خود طبق معاهده تأکید کرده‌اند، اما در عمل، تعهدات ناشی از معاهده را اجرا نکرده و در رهاسازی و تأمین حقبه ایران، همکاری لازم را به عمل نیاورده و حقبه قانونی ایران را تحویل نداده‌اند. اظهارات متعدد برای تحویل ندادن حقبه قانونی جمهوری اسلامی ایران از جمله طرح موضوع خشکسالی و کم شدن آب در هیرمند، مستلزم بررسی‌های کارشناسی، وفق مفاد معاهده بوده و تاکنون از سوی کارشناسان جمهوری اسلامی ایران راستی آزمایی نشده‌است بنابراین اتخاذ چنین مواضعی، غیرحقوقی و غیرقابل قبول است.

۴- روند حل اختلاف ایران و افغانستان

تقریباً تمام متون حقوقی که اصول یک وضعیت را توضیح می‌دهند «مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کنند» است، به این معنا که توافق کشورهای ذینفع اولین گزینه در حل و فصل اختلافات بین المللی است. به عبارت دیگر، در جایی که توافق الزام آور بین کشورها وجود نداشته باشد، اصول ذکر شده حاکم خواهد بود. در مورد وضعیت اشتراک آب رودخانه هیرمند، معاهده ۱۹۷۲ ایران و افغانستان معتبر است و عمر قانونی خاص خود را دارد. اما به دلیل خشکسالی و نبود شرایط لازم برای اجرای معاهده، دولت افغانستان از اجرای قرارداد مذکور خودداری کرد و حقوق مندرج در این معاهده را به ایران اعطا نکرد. در واقع دولت ایران ابتدا باید اجرای فوری معاهده را از دولت افغانستان مطالبه کند و اگر شرایط به گونه‌ای باشد که این معاهده به طور کامل اجرا نشود، کمیته مشترک باید سریعاً در مورد اقدامات لازم برای به حداقل رساندن ضرر و زیان ایران تصمیم‌گیری کند (Loodin et al., 2023; Nagheeby, 2023).

تا پایان قرن نوزدهم، اختلافات آبی ایران و افغانستان توسط نمایندگان دولت انگلیس و با اتکا به سازوکار داوری داوری می‌شد و ایران طرف مذاکره نبود (Houba et al., 2014; Shokri, 2025). اولین مذاکرات مستقیم ایران و افغانستان در مورد منازعات آبی دوجانبه به دوران رضاشاه برمی‌گردد. این مذاکرات در سال ۱۳۱۰ به توافق طرفین برای توزیع مساوی آب منجر شد، اما در مورد محل توزیع توافقی حاصل نشد. (آواریده، ۱۳۹۵: ۲۵)

۴-۱ منابع حقوقی برای اختلافات آب با افغانستان

در حقوق بین‌الملل ارجاع اختلاف به مراجع قضائی بین‌الملل (دیوان دادگستری و دیوان داوری) مستلزم وجود عناصری، از جمله تراضی طرفین دعوا، قبل یا بعد از حدوث اختلاف است. در مدلول معاهده ۱۹۷۳ و دو پروتکل آن نحوه حل اختلاف بنا به ماده ۹، ۱۰ و ۱۱ و پروتکل شماره ۲ بشرح زیر تعیین شده‌است.

۴-۱-۱ حل اختلاف طبق معاهده ۱۹۷۳

ماده ۹ این پروتکل ابتدا مذاکرات و تلاش‌های دیپلماتیک (مذاکرات دوجانبه، تلاش‌های خوب) را تجویز می‌کند. همچنین بر اساس ماده ۱۰ این معاهده، «ایران و افغانستان توافق دارند که این معاهده نمایانگر توافق کامل و دائمی دو دولت است و مفاد این معاهده تنها در حدود مندرجات آن معتبر بوده و مشمول هیچ‌یک نمی‌شود. اصل یا سابقه، حال یا آینده.» اما ماده ۱۱ خشکسالی و فورس ماژور را چنین می‌داند: «هرگاه خشکسالی یا وقوع فورس ماژور، رسیدن آب به دلتای هیرمند را موقتاً غیرممکن کند، کمیشنرهای طرفین باید فوراً مشورت کرده و برنامه اضطراری لازم را برای رفع مشکلات یا تهیه کنند. آن‌ها را تخفیف داده و به دولت‌های ذیربط ارائه کند.»^۱

۴-۱-۲ روند تعیین شده در پروتکل برای حل اختلاف

پروتکل شماره ۲ درباره حکمیت ضمیمه معاهده ایران و افغانستان راجع به آب رودخانه هیرمند (هلمند) توسط نخست‌وزیر ایران امیرعباس هویدا، بنمایندگی از ایران و صدراعظم افغانستان افغانستان محمد موسی شفیق به امضاء رسید.

ماده ۲ همچنین ماده ۹ معاهده اصلی را تکرار می‌کند که مقرر می‌دارد در صورت بروز اختلاف در تفسیر یا اعمال (اعمال) مواد معاهده، در حالی که مذاکرات دیپلماتیک یا تلاش‌های بعدی شخص ثالث برای حل اختلاف طبق ماده ۹ آن اجرا نشود، اختلاف به داوری ارجاع می‌شود.

۲

طبق ماده ۳ آن‌ها صریحاً توافق کرده اند که قبل از وقوع اختلاف موضوع را به داوری ارجاع دهند. در صورتی که یکی از طرفین معاهده پس از طی دو مرحله مندرج در ماده ۲ این پروتکل، ارجاع اختلاف به داوری را ضروری بداند، طرف مذکور باید ابتدا با توضیح موضوع یا موارد خاص مورد اختلاف، درخواست تشکیل دیوان داوری (حقیقت یاب) طبق مفاد ماده ۴ این پروتکل و ثانیاً در صورت لزوم تشکیل دیوان داوری مطابق با مفاد ماده ۵ این پروتکل را از طریق یادداشت دیپلماتیک به طرف مقابل اطلاع دهد.^۳

۴-۲ رویه قضائی در اختلافات آب با افغانستان

^۱ ماده ۱۱ معاهده هیرمند (۱۹۷۳)

^۲ ماده ۲ پروتکل شماره ۲ معاهده ۱۹۷۳ هیرمند

^۳ ماده ۳ پروتکل شماره ۲ معاهده فوق

در معاهده ایران و افغانستان، نظام حقوقی حاکم بر رودخانه هیرمند مشخص شده است، اما در حقوق بین‌الملل، چارچوب‌های محکمی بر اساس رویه‌ها و قواعد کشوری ناشی از اقدامات و رویه‌های قضایی و داوری سازمان ملل در خصوص مدیریت شکل گرفته است. سازماندهی بهره برداری از منابع مشترک و رفع چالش‌ها و تهدیدهایی که ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را با رعایت این اصول به خطر بیندازند (Kocatepe, 2024; Shokri, 2025).

با توجه به سابقه مناقشه آبی ایران و افغانستان، می‌توان نتیجه گرفت که این کشور به دلیل قرار گرفتن در بالای رودخانه هیرمند، بر اساس اصل حاکمیت مطلق ارضی نسبت به بهره برداری و استفاده از آن عمل می‌کند. آب این رودخانه بر اساس این اصل، رودخانه‌ها و آب‌های جاری از دیگر اموال و منابع دولت مذکور محسوب می‌شود، بنابراین آن دولت حق انحصاری و کامل استفاده از رودخانه‌های جاری بین دو یا چند کشور را بر عهده می‌گیرد. بر این اساس، رهبران افغانستان در مقاطع مختلف به طور جدی از رعایت حقوق ایران در مورد رودخانه هیرمند خودداری کرده اند.

رویکرد چند دهه گذشته دولت افغانستان برخلاف تعهدات یک کشور بالادست و منافع ایران از حق‌آبه هیرمند، با توجه به معاهدات ۱۳۱۸ و ۱۳۵۱ به گونه‌ای بوده که در دوره‌های مختلف زمانی موجبات انحراف مسیر طبیعی رود و تحمیل خشکسالی را در منطقه سیستان و از جمله دریاچه‌های هامون به وجود آورده است و یا اینکه رویه مدیریت آبخیزداری افغان‌ها در طی این سالها بدین صورت بوده که در مواقع طغیان رودخانه به ویژه در موسم بارندگی‌های سیلابی، اقدام به گشایش سدهای انحرافی و رهاسازی آب رود نموده و دربرهه خشکسالی نیز بر عکس با قطع جریان آب و انحراف طبیعی هیرمند موانع آب رسانی عمدی را ایجاد کرده که در نتیجه این کم آبی‌ها خسارت‌های زیادی را متوجه کشاورزان و محیط زیست سرزمین ایران وارد نموده‌اند. این در حالی است که بر اساس بند یک از ماده ۱۷ کنوانسیون هلسینکی، کشورها در بهره‌برداری از آبراه سرزمین خود باید تمام اقدامات مقتضی را به عمل آورده تا از خسارات عمدی به سایر کشورهای کرانه آبراه ممانعت نمایند و به موضوعات جدیدی در ارتباط با بهره‌برداری دو دولت از رودخانه مرزی هیرمند پرداخته شود. جدای از آن دولت افغانستان در چارچوب سند ملی خود تحت عنوان چارچوب کلی سیاست آب‌های فرامرزی مصوب سال ۱۳۹۵ بدان تاکید نموده است (Amiraslani & Dragovich, 2023; Karvigh, 2022; Trousdale, 2022).

اصل حاکمیت مطلق سرزمینی به دلیل مزایایی است که این دکترین برای کشورهای واقع در بالادست آبراه‌های مشترک ارائه می‌دهد. بدیهی است که کشورهای بالادست در تنش‌ها و درگیری‌های مربوط به آب بر این نظریه تکیه می‌کنند. این آموزه به دلیل مخالفت با عدل و انصاف مورد حمایت برخی فقها قرار گرفت (Shokri, 2025).

این نظریه نه در آیین دادرسی بین‌المللی است و نه در رویه قضایی. علاوه بر این، این نظریه توسط چندین تصمیم بین‌المللی حقوقی و داوری مورد انتقاد قرار گرفته است که مشهورترین آن‌ها تصمیم دادگاه داوری اسپانیا و فرانسه در سال ۱۹۵۶ در پرونده دریاچه Llano است (Mianabadi et al., 2021; Roodari et al., 2021). این موضوع در رای دیوان بین‌المللی دادگستری در کانال کورفورو^۱ و پرونده Trial Smelter نیز به وضوح دیده شده است. اگرچه این تصمیم‌ها مستقیماً با آبراه‌های بین‌المللی سروکار ندارند، اما از تصمیم‌گیری‌ها می‌توان فهمید که هیچ دولتی نمی‌تواند از قلمرو خود به گونه‌ای استفاده کند که مغایر با حقوق و منافع سایر کشورها باشد. واضح است که

¹ Corfu Channel Case, (1949) United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania

این اصل کلی با دکترین هارمون سازگاری ندارد. این نظریه به دلیل کمبود آب و شدت مشکلات زیست محیطی، وابستگی و همکاری دولت‌ها در دنیای معاصر با نیازهای مدرن ناسازگار است (Amiri, 2020; Hajhosseini et al., 2019).

در مثالی دیگر، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، در پرونده مربوط به صلاحیت سرزمینی کمیسیون بین‌المللی رودخانه اودر، حقوق برابر کشورهای را که منافع قانونی در استفاده از رودخانه برای کشتیرانی دارند، پذیرفت و امتیاز ترجیحی یک دولت را انکار کرد^۱.

۳-۴ حکمیت حل اختلاف آبی ایران و افغانستان

اختلاف دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت افغانستان نسبت به موضوع حق‌آبه رود هیرمند، از جمله اختلاف‌های ناشی از عدم التزام به قواعد و تعهدات بین‌المللی است، تعهدات بین‌المللی دولت‌ها به دو دسته قابل تقسیم است. دسته اول، اصول و تعهدات عام حقوق آبراه‌های بین‌المللی و حقوق محیط زیست است و دسته دوم تعهداتی ناشی از معاهدات خاص دو یا چند جانبه میان دولت‌ها است. بنا بر این اختلاف میان دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و افغانستان در پرتو تعهدات عام دولت افغانستان و «قانون معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت افغانستان» مصوب ۱۳۵۲/۰۵/۱۰ تحلیل نمود. (ممتاز، ۱۳۷۴، ۶۱) در پی ارجاع مجدد پرونده داوری به کلنل E. H. McMahon، در فیصله مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۰۵ با توجه به شرایط جدید جغرافیایی و ویژگی‌های تأمین آب این آبراه، به افغانستان اجازه داد تا تأسیس شود. تسهیلات جدید مشروط بر اینکه یک سوم آبراه به ایران اختصاص یابد.

۱-۳-۴ حکمیت گلد اسمیت گلداسمید

در نیمه دوم قرن نوزدهم با تشدید اختلافات در مناطق شرقی ایران، اختلافاتی بین حاکمان محلی ایران و افغانستان بر سر مسائل مرزی به وجود آمد (Nabavi, 2024). گلداسمیت پس از بررسی و تحقیق در حدود سیستان در ۱۹ اوت ۱۸۷۲ حکمی را تنظیم کرد که هدف از حکم گلد اسمیت تعیین کامل مرز بین دو کشور بود. از این رو بخشی از دلتای هیرمند که زمین‌های کشاورزی بزرگتر و جمعیت بیشتری داشت به ایران رسید و مساحت مسیر آب شرب به افغانستان واگذار شد. با تعیین مرز بین دو کشور در بخشی از رودخانه هیرمند، این رودخانه بر اساس سند وین به رودخانه‌ای بین‌المللی تبدیل شد که از آن زمان با نقش سیاسی خود بر روابط دو کشور تأثیر گذاشته است. در مورد تقسیم آب هیرمند، گلداسمیت هر دو طرف را از انجام عملیات روی رودخانه که باعث کاهش آب طرف مقابل می‌شود، منع کرد.

خلاصه رأی داوری: در ۱۹ اوت ۱۸۷۲، ژنرال گلداسمیت رأی خود را در تهران به شرح زیر اعلام کرد:

«ایران نباید در کرانه راست هیرمند تصرفی داشته باشد. بنا بر این بیشتر بنظر می‌رسد که هر دو کرانه هیرمند بالای بند کوهک باید به افغانستان واگذار شود.... بستر اصلی هیرمند باید در زیر مرز سیستان فارس، کوهک شرقی باشد علاوه بر این، باید به خوبی درک کرد در تأمین آب مورد نیاز برای آبیاری در هر دو طرف در سواحل هلمند محاسبه شده‌است. و تداخل دران مؤثر نیست (Shokri, 2025; Sinelnikov, 2024).

تلاسمیت برای حل اختلافات ناشی از استفاده از آب‌های بالا و یا جلوگیری از گسترش اختلافات در آینده تصمیمی در مورد تقسیم آب رودخانه هیرمند نگرفته است. بعداً وزیر خارجه بریتانیا به درخواست دولت افغانستان با موافقت گلداسمیت عبارت فوق را به گونه‌ای تفسیر کرد که افغان‌ها با ساختن کانال‌های جدید و ترمیم کانال‌های قدیمی و متروکه از آب هیرمند بیشتر استفاده کنند (Nagheby, 2023).

۲-۳-۴ حکمیت مک ماهون

¹ Relating to the Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Case. Oder, 192, p. 27

در سال ۱۲۷۵ رودخانه هیرامند طغیان کرد و باعث تغییر مجرای رودخانه، همچنین باعث درگیری مرزنشینان دو کشور بر سر مالکیت زمین (بین کانال قدیم و کانال جدید) شد. افغان‌ها مدعی شدند که با تغییر مسیر رودخانه هیرامند، مرز تغییر کرده و ضمن تصرف زمین‌های بین کانال قدیم و کانال جدید، سد سیستان را تخریب کرده و بر روی هیرامند سدهایی ساخته اند که باعث شده آب رودخانه تمام شود. به سمت آن‌ها جریان یابد. کاهش نزولات جوی در قسمت بالادست رودخانه در تابستان ۱۲۸۱ در ناحیه دلتا با کمبود شدید آب مواجه شد به طوری که سیستان و چخانسور با مشکل کم آبی و درگیری در این منطقه مواجه شدند. اختلافات بر سر محل مرز و حمله افغان‌ها به ایران در کنار کم آبی شدید در سیستان تنش شدیدی را بین ایران و افغانستان ایجاد کرد که منجر به حکمیت دولت انگلیس شد.

مک ماهون در نوامبر ۱۹۰۳ (۱۲۸۲) در مرزی که گلدسمید به عنوان مرز بین دو کشور تعیین کرده بود، تغییرات جزئی ایجاد کرد و به نفع ایران رای داد، این رای مورد قبول دولت ایران قرار گرفت.

امیر افغانستان در اکتبر ۱۹۰۴ (پس از یک سال) این تصمیم را پذیرفت. در ۱۰ آوریل ۱۹۰۵، مک ماهون اقدام به تقسیم آب رودخانه هیرامند کرد و سهم ایران از آب را به یک سوم کل آب رسیده به سد کمال خان کاهش داد. (Akbari et al., 2022; Amiraslani & Dragovich, 2023).

نتیجه‌گیری

دولت بالادست، دولتی است که رود بین‌المللی ابتدا از آن سرزمین جاری یا از آن عبور کند. النهایه حقوق و تعهدات کشورهای بالادست رودخانه‌ها را می‌توان به شرح زیر آورد:

الف- استفاده مشترک و منصفانه از آبراه ب- حق حاکمیت دولت بر منابع آب خود ج- لحاظ نمودن منافع کشور پایین دست در منابع آبراه‌های متوالی د- تعهد به جلوگیری از ورود زیان قابل ملاحظه به کشور پایین دست ه- غیرقانونی بودن تغییر مسیر آبراه و- اصل محدودیت استفاده آزاد از آب‌ها

با توجه به موضوع پژوهش می‌توان بیان داشت، رودخانه هیرامند منبع حیاتی تأمین تالاب هامون و جمعیت‌های انسانی اطراف آن است. معاهده (۱۳۵۱) ۱۹۷۳ هیرامند میان ایران و افغانستان برای تقسیم منابع آبی رودخانه هیرامند است، که بموجب ماده ۲ معاهده در سال‌های پر آبی یا نرمال میزان آب تحویلی به ایران ۲۲ متر مکعب در ثانیه است و طبق ماده ۴ معاهده در سالی کم آبی به تناسب کمتر می‌شود و تنها حق دخل و تصرف در آب باقی مانده خود را دارد. جدای از معاهده دوجانبه فوق، موقعیت بالادستی دولت افغانستان در رودخانه هیرامند منجر به نادیده گرفتن حقوق دولت پایین دست (ایران) و بهره برداری بیشتر شده است. حفر کانال‌های انحرافی، ساخت بندها و بندهای متعدد، ارائه نادرست کمیت و حجم آب ذخیره شده در افغانستان و عدم همکاری مناسب و به موقع در جلسات مشترک کمیته آب هیرامند مطابق با تطبیق فرمان قانونی ۱۹۷۳ این قانون رودخانه این یکی از کارهایی است که دولت افغانستان در زمینه توزیع آب در رودخانه هیرامند انجام داده است.

باید گفت ادامه اختلافات افغانستان و ایران بر سر استفاده از آب رودخانه‌های هیرامند در درازمدت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شرق را مختل خواهد کرد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Water disputes in West Asia, particularly in the Middle East, have intensified due to the increasing scarcity of water resources, geopolitical tensions, and climate change. Approximately 91% of the water resources in the Middle East are shared transboundary waters, making legal disputes over water rights a significant international concern. Iran, as a key regional actor, has several international rivers crossing its borders, including the Helmand River, which serves as a critical water source for the Sistan region. The longstanding dispute between Iran and Afghanistan over Helmand's water allocation has led to tensions, impacting Iran's national security and regional stability (Shokri, 2025). This study aims to explore the legal obligations of upstream states concerning the water rights of downstream states, focusing on the Helmand River as a case study. The research highlights international legal principles governing transboundary watercourses, such as equitable and reasonable utilization, the obligation not to cause significant harm, and the prohibition of altering the course of a shared water body. The findings indicate that Afghanistan's upstream control of the Helmand River has resulted in the deprivation of Iran's water rights through various measures, including the construction of diversion canals, the misrepresentation of stored water quantities, and the failure to comply with the 1973 Helmand River Treaty (Faghihi & Kianifar, 2022). These unilateral actions have contributed to escalating disputes between the two nations, with potential ramifications for regional security.

Transboundary water disputes are among the most contentious issues in international law, particularly in regions where water scarcity poses a fundamental challenge to economic and social stability. The Helmand River originates in Afghanistan and flows into Iran, serving as a vital water source for agricultural and domestic use in the Sistan region. Historical records indicate that Afghanistan has frequently acted in contravention of international legal norms by restricting Iran's access to its rightful share of Helmand's water. The 1973 Helmand River Treaty established specific water allocations for Iran, stipulating that in normal or high-flow years, Iran should receive 22 cubic meters per second of water, with proportional reductions during drought years (Amiraslani & Dragovich, 2023). Despite this binding agreement, Afghanistan has consistently failed to comply with its obligations, arguing that its own domestic water needs take precedence. Furthermore, the unilateral construction of dams such as the Kamal Khan Dam has significantly reduced water flow into Iran, exacerbating tensions between the two countries. Iran has repeatedly invoked international legal doctrines to support its claims, including the principle of territorial integrity and the obligation of states to prevent transboundary harm. However, diplomatic negotiations have often been inconclusive, as Afghanistan maintains its position of sovereignty over Helmand's water resources while disregarding Iran's legal entitlements (Trousdale, 2022).

The principle of equitable and reasonable utilization is a cornerstone of international water law, emphasizing that all riparian states have a right to the fair and sustainable use of shared water resources. However, Afghanistan's actions regarding the Helmand River contravene this principle by prioritizing its own water needs at the expense of Iran's legitimate claims. Under the 1997 United Nations Convention on the Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses, states are obligated to use shared water resources in a manner that is equitable and does not cause significant

harm to co-riparian states (Nagheeb, 2023). Afghanistan's failure to uphold these principles has led to severe environmental and economic consequences for Iran, particularly in the Sistan region, where water shortages have contributed to land degradation, reduced agricultural productivity, and forced displacement of local populations. Additionally, the destruction of wetlands such as the Hamoun Wetlands, which depend on Helmand's water inflows, has had devastating ecological impacts. The international community has recognized the importance of enforcing water-sharing agreements, yet the Helmand dispute remains unresolved due to Afghanistan's reluctance to engage in meaningful negotiations. Iran has sought recourse through diplomatic channels, but the lack of a robust enforcement mechanism within international law has hindered efforts to secure compliance with the 1973 treaty (Mianabadi et al., 2021).

Afghanistan's strategic use of water as a geopolitical tool has further complicated the dispute, as its policies regarding Helmand have been influenced by broader political considerations. The Taliban's control over Afghanistan has introduced new dimensions to the conflict, with recent negotiations failing to yield tangible results. Iran has repeatedly emphasized that any unilateral action affecting Helmand's water flow constitutes a violation of international law, yet Afghanistan has continued to assert its sovereignty over the river (Nabavi, 2024). This approach aligns with the Harmon Doctrine, which grants upstream states absolute control over their water resources without regard for downstream impacts. However, international legal precedent has consistently rejected this doctrine in favor of principles that promote cooperation and equitable resource distribution. Cases such as the 1957 Lake Lanoux Arbitration and the International Court of Justice's rulings on transboundary environmental harm have reaffirmed the obligation of states to engage in good-faith negotiations and to prevent harm to co-riparian states (Hajihosseini et al., 2019). Afghanistan's continued disregard for these legal obligations has reinforced Iran's position that stronger enforcement measures are necessary, potentially through regional cooperation frameworks or international arbitration.

Efforts to resolve the Helmand dispute have included diplomatic negotiations, third-party mediation, and appeals to international legal mechanisms. However, Afghanistan's refusal to adhere to the terms of the 1973 treaty has necessitated alternative approaches, including leveraging regional alliances and advocating for stronger international legal frameworks. Iran has argued that the principles established under customary international law, including the obligation to notify and consult affected states before implementing projects that alter shared water resources, should apply to the Helmand case (Sadid, 2024). Moreover, Iran has emphasized the role of historical treaties, including the 1921 Anglo-Persian Agreement and the McMahon Arbitration, which recognized Iran's rights to Helmand's water. Despite these legal foundations, Afghanistan has pursued a policy of unilateral water management, exacerbating tensions and undermining regional stability. The potential for conflict escalation remains a significant concern, particularly as water scarcity intensifies due to climate change. Iran has proposed the establishment of a joint water commission to oversee Helmand's water distribution, but Afghanistan's reluctance to participate in such initiatives has stalled progress (Karvigh, 2022).

In conclusion, the Helmand River dispute exemplifies the challenges of transboundary water management in regions where water scarcity and political tensions intersect. Afghanistan's failure to comply with its legal obligations under the 1973 Helmand River Treaty and international water law principles has led to significant environmental, economic, and geopolitical consequences for Iran. The principle of equitable and reasonable utilization, coupled with the obligation to prevent transboundary harm, underscores Iran's legal claims to a fair share of Helmand's water. However,

the absence of effective enforcement mechanisms has limited Iran's ability to secure its water rights through diplomatic channels alone. Moving forward, Iran must continue to engage with international organizations, regional stakeholders, and legal mechanisms to reinforce its position and advocate for the equitable distribution of Helmand's water resources (Akbari et al., 2022). Strengthening regional cooperation and promoting sustainable water governance frameworks will be essential in preventing further escalation of the dispute and ensuring long-term water security for both nations. Given the broader implications of water conflicts in the Middle East, resolving the Helmand dispute through legal and diplomatic means remains a critical priority for regional stability and environmental sustainability.

References

- Akbari, M., Mirchi, A., Roozbahani, A., Gafurov, A., Klöve, B., & Haghghi, A. T. (2022). Desiccation of the Transboundary Hamun Lakes Between Iran and Afghanistan in Response to Hydro-Climatic Droughts and Anthropogenic Activities. <https://doi.org/10.31223/x5g90v>
- Amiraslani, F., & Dragovich, D. (2023). Iran's Regional Transnational Water Partnerships: Unclear Rules, Unstable Partnerships, and an Unsettled Future. *Sustainability*, 15(15), 11889. <https://doi.org/10.3390/su151511889>
- Amiri, G. R. (2020). The Helmand Baluch. <https://doi.org/10.3167/9781800730427>
- Faghihi, M. A., & Kianifar, R. (2022). Lessons Learnt From Basin Management in Iran and the World (Case Study Helmand, Danube and Colorado Basins). *E3s Web of Conferences*, 346, 04009. <https://doi.org/10.1051/e3sconf/202234604009>
- Hajihosseini, M., Hajihosseini, H., Morid, S., Delavar, M., & Booij, M. J. (2019). Impacts of Land Use Changes and Climate Variability on Transboundary Hiran River Using SWAT. *Journal of Water and Climate Change*, 11(4), 1695-1711. <https://doi.org/10.2166/wcc.2019.100>
- Houba, H., Laan, G. v. d., & Zeng, Y. (2014). International Environmental Agreements for River Sharing Problems. *Environmental and Resource Economics*, 62(4), 855-872. <https://doi.org/10.1007/s10640-014-9862-0>
- Karvigh, H. A. (2022). The Chronology of Helmand Changes in Seistan. *Afghanistan*, 5(1), 1-29. <https://doi.org/10.3366/afg.2022.0082>
- Kocatepe, D. (2024). The Helmand River Water Dispute Between Iran and Afghanistan: Historical Background, Potential Risks and Proposed Solutions. *Kafkas Üniversitesi İktisadi Ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi*, 15(29), 308-333. <https://doi.org/10.36543/kauibfd.2024.012>
- Loodin, N., Eckstein, G., Singh, V. P., & Sanchez, R. (2023). Assessment of the Trust Crisis Between Upstream and Downstream States of the Helmand River Basin (1973–2022): A Half-Century of Optimism or Cynicism? *Acs Es&t Water*, 3(6), 1654-1668. <https://doi.org/10.1021/acsestwater.2c00428>
- Mianabadi, H., Alioghli, S., & Morid, S. (2021). Quantitative Evaluation of 'No-Harm' Rule in International Transboundary Water Law in the Helmand River Basin. *Journal of Hydrology*, 599, 126368. <https://doi.org/10.1016/j.jhydrol.2021.126368>
- Nabavi, S. A. (2024). Fundamental Problems of Water Resources Management in the Helmand River Basin, Afghanistan. *Randwick International of Social Science Journal*, 5(2), 263-274. <https://doi.org/10.47175/rissj.v5i2.963>
- Nagheeb, M. (2023). The Worst or the Best Treaty? Analysing the Equitable and Reasonable Utilization Principle in the Legal Arrangements of the Helmand River. *Asian Journal of International Law*, 14(1), 25-44. <https://doi.org/10.1017/s2044251323000395>
- Nagheeb, M., & Rieu-Clarke, A. (2020). River Basin Organizations in Water Diplomacy. <https://doi.org/10.4324/9780429266270>
- Roodari, A., Hrachowitz, M., Hassanpour, F., & Yaghoobzadeh, M. (2021). Signatures of Human Intervention – Or Not? Downstream Intensification of Hydrological Drought Along a Large Central Asian River: The Individual Roles of Climate Variability and Land Use Change. *Hydrology and Earth System Sciences*, 25(4), 1943-1967. <https://doi.org/10.5194/hess-25-1943-2021>
- Sadid, N. (2024). Sand Dune Migration and Flux Into the Lower Helmand and Arghandab Valleys. *Sedimentologica*, 2(1). <https://doi.org/10.57035/journals/sdk.2024.e21.1085>
- Shokri, N. (2025). Losing Water Through Evaporation From Water Reservoirs in Water-Stressed Regions: The Case of Iran-Afghanistan. <https://doi.org/10.5194/egusphere-egu24-14853>

- Sinelnikov, D. A. (2024). Prerequisites for Increasing Contradictions Between Iran and Afghanistan Over the Use of Transboundary Water Resources of the Helmand River. *Governance and Politics*, 3(3), 47-63. <https://doi.org/10.24833/2782-7062-2024-3-3-47-63>
- Trousdale, W. B. (2022). Helmand Valley Sites. 223-326. <https://doi.org/10.3366/edinburgh/9781399503730.003.0006>